

زنم را در وضعیت هولناکی دیدم:

سوء ظن و بدبینی‌های سعید حادثه ساز شد...!



مثل هر روز از خواب بیدار شدم تا به سر کار بروم به محض خارج شدن از اتاق خواب فرشته را دیدم که روی زمین افتاده بود. وحشت زده به طرفش رفتم و صدایش کردم، جواب نمی‌داد و هیچ عکس العملی نشان نداد. خیلی ترسیدم نمی‌دانستم چه کار کنم فقط فریاد زدم و از همسایه‌ها کمک خواستم.

خانواده فرشته از شنیدن خبر مرگ دخترشان شوکه شده بودند، باورشان نمی‌شد که دختر جوانشان در این صحت و سلامت به ناگهان مرده باشد.

با اعلام موضوع به بازپرس کشیک و ویژه قتل دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی برای تعیین علت اصلی مرگ صادر شد. به این ترتیب چند روز بعد جسد فرشته در بیمارستان و مراسم تدفین آن نیز برگزار شد.

در حالی که خانواده همچنان در غم مرگ او بهت زده بودند چند روز بعد نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی موچی از تردید و بدبینی و در نهایت اتهام را متوجه سعید کرد. کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کرده بودند زن جوان بر اثر انسداد مجاری تنفسی جان باخته و کبودی‌های دور دهان نیز ناشی از فشار به این قسمت بوده است.

در حالی که انگشت اتهام به سوی سعید نشانه رفته بود و بازپرس در حال تحقیق و بازجویی از وی به‌عنوان نخستین مظنون در قتل همسرش بود، یکی از دوستان سعید کرد. تماس با مادر وی برده از بازپرس برداشت تردید آنها را نسبت به دامادشان به یقین تبدیل کرد. دختر جوان گفت: فرشته همیشه از بد رفتاری‌ها و آزارهای سعید با من درد دل می‌کرد. می‌گفت او فردی

به بی توجهی و خودخواهی وی مسئولیتی متهم می‌کرد. کم‌کم اختلاف‌ها تا حدی بالا گرفت که کار به طلاق کشید و در حالی که فرید سه سال بیشتر نداشتن طعام جدایی پدر و مادر را تجربه کرد و سوادیه با بخشیدن همه حق و حقوق حضانت پسرش را پذیرفت.

سعید دوباره تنها شد. همه زندگی‌اش کار بود و دلخواهش اش دیدن پسرش برای ۲۴ ساعت در هفته. اما این تنهایی دو سال بعد با ازدواج او و فرشته پایان یافت. همسر دو فرزند سعید دختری ساده و کارمند یک شرکت معمولی بود که یکی از بستگان سعید، آنها را به معرفی کرد. خانواده‌اش وضع مالی متوسطی داشتند و باین وصلت نیز مخالفتی نکردند. یک سال از این ازدواج گذشت تا این که یک روز صبح...

صدای فریادهای کمک‌خواهی یک مرد در ساختمان پیچید و صدای زنگ آبارتمان همسایه‌ها به صدا درآمد. زن نگاهی به ساعت انداخت ۸ صبح بود. با عجله به طرف در رفت. سعید در حالی که گریه می‌کرد و زانویش می‌لرزید با التماس گفت: مریم خانم تورو خدا به دادم برسید زنم... زنم نفس نمی‌کشد. روی زمین افتاده و تکان نمی‌خورد کمک کنید.

زین همسایه به سرعت همراه سعید وارد آبارتمان او شد. جلوی در آتش‌خیز خانه فرشته را دید که روی زمین افتاده بود. رنگش به سفیدی گچ شده، دور دهانش کیود بود و دیگر هیچ.

دقایق بعد اما مدارگران اورژانس در محل حاضر شدند و پس از معاینه اعلام کردند سستایی از مرگ زن جوان برایش رخ دهد تا مدت‌ها بین آنها بحث بود و سعید او را

این در حالی بود که دخترهای زیادی در محل کار سعید به ازدواج یا او علاقه‌مند بودند و هر یک به نحوی سعی می‌کردند نظر او را جلب کنند و در این رقابت بالاخره سوادیه دختر زیبا و خوش سرو زبانی که مدیر فروش یکی از نمایندگی‌های شرکت بود دل سعید را برد و کار به ازدواج کشید.

یک سال بعد هم پسرشان «فرید» به دنیا آمد. پس از این که دوره مرخصی زایمان سوادیه تمام شد و می‌خواست به سر کار برگردد سعید او را خواست تا برای چند ماه دیگر مرخصی‌اش را تمدید کند و از فرید مراقبت کند. سوادیه هم پذیرفت و برای یکسال دیگر خانه‌نشین شد. روزها از پی هم می‌گذشت و سعید با علاقه بیشتری کار می‌کرد و برای همسر و فرزندش وسایل آسایشی و راحتی فراهم می‌کرد، اما سوادیه که سال‌ها به کار در شرکت و زندگی فعال بیرون عادت کرده بود آرزو می‌کرد هر چه زودتر این روزها بگذرد تا بتواند سر کارش برگردد.

وقتی بعد از یکسال مقدمتاً به گشت به کار برافراهم می‌کرد، سعید از او خواست برای همیشه قید کار کردن را بزند و فقط در خانه برای پسرشان مادری و خانه‌داری کند. او قول داد از هر نظر شرایط زندگی ایده‌آل را برای همسر و پسرش مهیا کند، اما سوادیه زیر بار نرفت و سر کار برگشت.

همین موضوع بهانه‌ای شد برای اختلاف میان این زن و شوهر و هر روز به بهانه‌ای اختلاف‌ها و دعوا بیشتر می‌شد. کافی بود یک روز فرید بیمار شود یا حادثه‌ای برایش رخ دهد تا مدت‌ها بین آنها بحث بود و سعید او را

گروه حوادث - یک ماه از برگشتن سعید به ایران می‌گذشت. بعد از ۱۵ سال دوری از وطن و خانواده، حالا با مدرک دکتری و یک دنیا دل‌تنگی به خانه برگشته بود.

سعید پسر کم حرفی بود به قول مادرش از بچگی هم مظلوم بود. از آن دسته بچه‌هایی که همیشه حقش را همه‌جا می‌خورند.

حالا هم بعد از این همه سال زندگی در غربت، همان پسر آرام و کم حرف گذشته بود. پدرش به همین دلیل او را تنها به آلمان فرستاد تا شاید زندگی در کشوری که آدم‌هایش به سردی و سختی معروف هستند او را از این همه سادگی و مظلومیت بیرون بیاورد، اما او حتی از قبل هم کم حرف تر شده بود و سردی و بی‌تفاوتی نیز در روح و جسمش رخنه کرده بود.

روزی که همه فامیل برای دیدنش به خانه پدری آمده بودند او در جمع خانواده‌ای که سال‌ها ندیده بودند احساس غریبی می‌کرد.

مدتی بعد سعید در یک شرکت معروف بین‌المللی به عنوان کارشناس ارشد مشغول به کار شد. در کمتر از یک سال موقعیت بی نظیری پیدا کرد، اما او از دوری او و از دیدن دیگران برای همه سوال برانگیز بود.

ظاهری آرام داشت و در کار کمی دخالت نمی‌کرد و از این که همکاران و حتی خانواده‌اش در کارش دخالت کنند، ناراحت می‌شد و واکنش نشان می‌داد. مادرش که چاره این گوشه‌گیری را در ازدواج می‌دانست، دست‌به‌جانب شد تا برای پسر یکی یک‌خانه‌اش دختری مناسب پیدا کند.

موضوع برای همه ثابت خواهد شد. همدل یکی از بحث‌انگیز ترین بیماری‌های روانی اختلال چند شخصیتی است. اختلال چند شخصیتی که نام دیگر آن «هویت تجزیه‌ای» است، یک بیماری و حیم روانی است که زیر مجموعه اختلالات تجزیه‌ای است. در اختلال شخصیت چند گانه که نوعی اختلال در هویت است، دو یا چند شخصیت مختلف کنترل رفتار فرد را از زمانی به زمان دیگر در دست می‌گیرند. معمولاً یک شخصیت نسبت به دیگر شخصیت‌ها غالب است. شخصیت غالب اغلب نسبت به دیگر شخصیت‌ها فراموشی دارد و از وجود آنها آگاه نیست. اختلالات شخصیت تجزیه‌ای خود به خود درمان نمی‌پذیرند و علامت و نشانه‌های آنها در گذر زمان دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. درمان این اختلال با روانکاوی و هیپنوتیزم صورت می‌گیرد و هدف درمان محدود کردن شخصیت فرد به یک هویت متعصبه‌فرد است که بتواند عواطف خود را بر این کنترل کند.

اعتراف عجیب زن تهرانی؛ من برای مردها خود شیطان هستم!

گروه حوادث - یک سال پس از ۱۹ ساله‌ای به نام «موسی» آشنا شدیم که مجرد بود. ارتباط عاشقانه ما با یکدیگر به جایی رسید که پیشنهاد ازدواج داد ولی...

وقتی فهمیدم آن پسر جوان در دام عشق من گرفتار شده است و علاقه عجیبی به من دارد شروع به اخذ از او کردم تا هر چه به من متزل من آمد و یکی از متوجه ماجرا شده بود، یک روز به منزل من آمدم و یکی از همسایگانم راه‌انداز ضریبات جاقو قرار داد به طوری که... زن جوان که به دنبال وقوع حادثه جاقو کشی به کلانتری احضار شده بود، با بیان این که از رفتارهای گذشته‌ام پشیمان هستم، درباره قصه تلخ زندگی‌اش به کارشناس اجتماعی کلانتری مهر کان مشهد گفت: ۱۳ سالگی در یکی از مناطق تهران زندگی می‌کردم البته پدرم از اهالی غرب کشور بود و برای یافتن شغلی مناسب به تهران مهاجرت کرد.

آن زمان روزگار خوبی داشتیم و با آن که پدرم یک کارگر

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

مفقودی	خدمات	استخدام	استخدام
اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۰۱۴۳/۰۱ به نام هادی اسکندری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰	به تعدادی نیروی آشپز و کمک آشپز و سالن‌دار نیاز مندیم ۰۹۳۳۷۶۹۱۵۵۰ ۰۹۱۲۰۸۰۱۴۴۶ تماس از ۷ تا ۱۱ شب	به یک نفر نیروی مجرب تأسیسات آشنا به اسپیلت و پمپ آب جهت هتل نیاز مندیم علی پور ۰۹۳۵۵۸۳۷۷۸۷
کیف حاوی مدارک شناسایی شامل کارت پایان خدمت، گواهینامه، کارت ملی و کارت کیشوندی اینجناب هادی اسکندری مفقود گردیده است. از یابنده خواهشمند است با این شماره تماس حاصل نمایند. ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۶۵ هادی اسکندری	خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	نیازمندیهای اقتصادی کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰	استخدام منشی عصر آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹
رستوران سای دا انواع غذاهای ایرانی و دریایی با کادری مجرب و با سابقه آماده عقد قرارداد با شرکت‌ها و مؤسسات آدرس: کیش، بلوار خیام، خیابان باباطاهر TS44	صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲	شرکت آریا اطلس کیش اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق و دستمزد آدرس: خیابان ساحل، بازار دیپلمات، طبقه اول تجاری، واحد ۱۰۹ شماره تماس: ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳ - ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱	استخدام منشی صبح خانم آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۶۹ - ۴۴۴۲۴۹۹۹